

تکیه بر باد

● حسین روحانی صدر^۱
کارشناس تاریخ معاصر پژوهشکده اسناد سازمان اسناد و کتابخانه ملی



■ از کاخ‌های شاه تا زندان‌های سیبری
■ غلامحسین بیگدلی
■ تهران، سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی، چاپ اول: ۱۳۸۹؛ تعداد صفحات: ۲۴۴

چکیده

هدف از ارائه‌ی این نقد بیان نقاط قوت و ضعف خاطراتی است که آن را به عنوان تاریخ شفاهی منتشر کردند. از آنجاکه اطلاعات تاریخی ما نسبت به همسایه‌ی شمالی پیشینمان، یعنی اتحاد جماهیر شوروی، همچنان در حاله‌ای از فقر غوطه‌ور است، انتشار این مجموعه‌ها به شرط حفظ استانداردهای مرسوم تدوین خاطرات، شاید بتواند خلاءهای موجود را کمی جبران نماید. از این رو برای رسیدن به نقطه‌ی مطلوب در راستای توسعه‌ی تخصصی این منابع، به بررسی کتاب از کاخ‌های شاه تا زندان‌های سیبری پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها: فهرست‌نویسی؛ منابع غیرعلمی؛ افسران حزب توده؛ استقلال آذربایجان؛ سی سال در شوروی

مقدمه

روش نقد و معرفی کتاب‌های منتشر شده در کشور ما عمر طولانی ندارد و این کوتاهی هم با فراز و نشیب‌های گوناگونی دست به گریبان است. با آنکه مقام معظم رهبری بارها و بارها به گسترش فرهنگ نقدنویسی تأکید داشتند، ولی تاکنون مراکز مطالعاتی و فصلنامه‌های پژوهشی فرصت‌های لازم برای انعکاس این وجه از تولید علمی فراهم نیاوردند. همه‌ی این عوامل باعث دلسردی جمع نقدنویسان به منابع را پدیدار کرد و متأسفانه فرصتی برای توسعه‌ی غیرتخصصی علوم انسانی به‌ویژه شاخه‌های علوم اجتماعی، از جمله تاریخ شفاهی را به وجود آورد. باید آیدگان قضاوت کنند که غفلت اصحاب قلم و متخصصین حوزه‌ی مطالعات تاریخ شفاهی چه لطمات غیرقابل جبرانی را به واسطه‌ی سکوتشان به بار آوردند. جالب‌تر آن که اجازه‌ی حضور به برخی ناآگاهان و فرصت‌طلبان جهت حضور در فصلنامه‌های تحقیقاتی و مطالعات آرشیوی را هم به دلایلی فراهم آوردند. طنز تاریخ قضاوت شیرینی خواهد داشت. چون این افراد از عدم تخصص در حوزه‌ی مطالعات آرشیوی هم داد سخن می‌دهند. به هر حال کتاب حاضر نقاط قوت و ضعف فراوانی دارد و در اینجا تنها به موارد عمومی آن اکتفا شده است.

معرفی

کتاب با یادداشت ناشر آغاز شده، که در آن به اهمیت جایگاه تاریخ شفاهی در مطالعات تاریخی اشاراتی شده است. سپس گریزی به شرح جمع‌آوری و حفظ و نگهداری وظایف معاونت اسناد آن سازمان زده و در ادامه به تسویه‌ی حضور پرفسور بیگدلی در آرشیو ملی و ضبط خاطرات نام‌برده توسط گروه تاریخ شفاهی در منزل وی به سال ۱۳۷۳ پرداخته است.

پیش‌گفتار کتاب با امضای غلامحسین بیگدلی و مناجات پرنایه‌ای آغاز می‌شود. در ادامه، ضمن طرح پیشینه‌ی خانوادگی، از ولادت ایشان در تاریخ ۲۴ اسفند ۱۲۹۷، تحصیلات وی در مدرسه‌ی نظام ۱۳۰۵، شیوه‌ی اداره‌ی امور کشور، وضعیت اجتماعی ایران در عصر پهلوی، رفتن به شوروی و بازگشت به ایران پس از انقلاب و عضویت در انقلاب فرهنگی و تألیف ۲۰ جلد کتاب و ۱۵۰ مقاله سخن می‌رود. در پایان نیز از مساعدت‌های سازمان اسناد و کتابخانه‌ی ملی و به‌ویژه ریاست کتابخانه‌ی ملی، معاونت آرشیو و سرپرست پژوهشکده‌ی اسناد تقدیر

شده است.

بخش اول: کتاب با عنوان در ایران (۱۲۹۷-۱۳۲۵ش) صد صفحه از این کتاب ۲۴۴ صفحه‌ای را شامل شده است. فصل اول ایل بیگدلی از صفحه ۱۵ تا ۳۱، ابتدا به پیشینه‌ی ایل بیگدلی و شیوه‌ی مهاجرت به ایران اختصاص دارد. همچنین به رفتن گروهی از ایشان به سامات و بازگردانده شدنشان پس از حمله‌ی تیمور به غرب آسیا و شبه‌جزیره آناتولی و همکاری و همیاری ایشان و خاندان صفوی اشاره دارد و طبق نقل عالم‌آرای عباسی، آنان را بیگدلی شاملو معرفی کرده و به شرح مختصری از زندگی ۱۸ تن از بزرگان آن خانواده در دوران صفوی تا امروز پرداخته است. در ادامه، ضمن اشاره به دوران کودکی خود

در مسقط الرأسش، منطقه خدابنده‌لوی خمسه، به وضعیت تحصیل در مدرسه‌ی نظام و شرح احوال ۴۷ تن از اساتید و همدوره‌های‌های خود و شیوه‌ی طی مدارج در مدرسه‌ی نظام پرداخته است. در فصل دوم (از صفحه ۳۴ تا ۵۲) اشاره‌ای به آشنایی ایشان با راه‌آهن و آلودانی شهیدت اشرف پهلوی آمده؛ ولی فاقد هر نوع توضیح ارزشمندی برای ثبت در تاریخ است.

بخش دوم: در شوروی. این بخش چهار فصل کتاب را در خود جای داده و به شرح حوادث و رویدادهایی پرداخته که بر سر قهرمان این کتاب و دیگر همفکرانش آمده است. فصل پنجم کتاب با عنوان سراب خوشبختی، ضمن تشریح شیوه‌ی ورود ایرانیان به خاک شوروی و استقرار موقت در نخجوان و تقسیم بعدی به دو گروه اکثریت و اقلیت در نقاط مختلف، به‌ویژه منطقه‌ی سافخوزیه، به تشریح وضعیت بد معیشتی و مسکن پناهندگان به اتحاد جماهیر شوروی و فساد برخی ایرانیان مهاجر و عدم توفیق ادامه‌ی دوره‌ی تحصیلات نظامی افسران متخصص حزب توده اختصاص دارد.

در فصل سوم رجال و شخصیت‌های دوره رضاشاه، از صفحه‌ی ۵۳ تا ۹۲، دو سه کلمه مفید به‌طور گذرا از برخی هم‌دوره‌های‌های پروفیسور بیگدلی گفته است. بهمن امیر جنگ بختیاری برادرزاده‌ی سردار اسعد و محمد حاج سعیدی که چون پدرش میل‌ساز دربار بود از مدرسه اخراج شد. همچنین اشاره‌ای به سمت پروفیسور بیگدلی به عنوان آلودان سمهد شاه‌بختی در شیراز شده ولی در هیچ کجای خاطرات در این مورد حرفی به میان نیامده است. در شرح دو صفحه‌ای از شخصیت دکتر محمد مصدق، به ملاقات خود به‌همراه عمو و پدرزنش **یدالله خان** بیگدلی، اسلحه‌دارباشی، در حد یک جمله‌ی کوتاه اشاره دارد. البته باید در مورد لقب اسلحه‌دارباشی توضیحاتی ارائه می‌شد و مکان و سال‌های دیدار با دکتر مصدق نیز ذکر می‌گردید و زیر عنوان معتمدان رضاشاه، کاش به سرنوشت و پایان کار اسلحه‌دارباشی اشاره می‌رفت.

سپس به شیوه‌ی اقامت پروفیسور بیگدلی در باغ نوبل باکو و ملاقات ایشان به همراه سیدجعفر پیشه‌وری و تنی چند از رهبران فرقه‌ی دموکرات با نیرجعفر باقراف نماینده‌ی استالین و رهبر جمهوری آذربایجان و شیوه‌ی درگذشت پیشه‌وری، آسایشگاه مردگان، فعالیت‌های کا.گ.ب، آشنایی با ابولقاسم لاهوتی، مدرسه‌ی حزبی در باکو، دستگیری بیگدلی، بازجویی و شکنجه در کا.گ.ب اشاراتی دارد.

ذیل دو عنوان حسین فردوست و سرنوشت تنها برادر تنی محمدرضا، مطالب ارزشمندی از دانشکده‌ی افسری و طرح یک ایراد تاریخی^۱ به خاطرات حسین فردوست آمده، که بسیار ارزشمند و مفید است؛ ولی بهتر بود این بحث مهم در صفحه‌ی ۲۱ فصل اول زیر عنوان دوران کودکی من و تحصیل در دیستان نظام می‌آمد.

فصل ششم به شیوه‌ی تبعید و اجرای احکام اختصاص دارد. مطالب ارزشمندی از چگونگی اجرای احکام صادره نسبت به محکومین و نحوه‌ی انتقال تبعیدی‌ها از نقاط مختلف به زندان راستف در حاشیه‌ی دریای سیاه و انتقال زندانیان با قطار از راه مسکو به نووسیرسک و چیتابوخت و آئینا در آخرین نقطه‌ی اتحاد جماهیر شوروی و تقسیم زندانیان به گروه‌های جنایتکارها، قاتل‌ها و دزدها و زندانیان سیاسی و انتقال به ماگادان و دهکده ارکاگالار و کار در معادن ذغال سنگ و طلای وولفرامیو و اورانیوم کالیماونرالیسکیتوا سبیری دارد.

در فصل چهارم با عنوان من و حزب توده، از صفحه‌ی ۹۴ تا ۱۱۲، ابتدا به برخی زیاده‌خواهی‌های شاهپور علی‌رضا و شهیدت اشرف از او، تنها در چند کلمه اشاره شده، که نیاز به توضیح دارد. چراکه این نوع مطالب بیشتر جنبه‌ی نقلی دارد و ایشان که چنین ادعایی کرده، آن را بدون سند و مصداق‌ها کرده است. در این قسمت هم‌چنین مشاهدات عینی پروفیسور بیگدلی از وضعیت عمومی مردم در سال‌های پس از شهریور ۱۳۲۰ و اشغال ایران از سوی کشورهای انگلیس و آمریکا و شوروی و نقل برخی حوادث آمده است، که ارزشمند است ولی بهتر بود بیشتر به این چنین وقایع توجه می‌شد. بندهای بعدی فصل به شیوه‌ی عضویت در شاخه‌ی افسران حزب توده اشاره دارد، که البته بسیار جالب و برای شناسایی نحوه‌ی جذب افسران به حزب

مرگ استالین و روی کار آمدن مالینکوف و خروشچف و شیوه‌ی آزادی وی از زندان و ادامه‌ی تحصیل در آکادمی علوم باکو و کسب درجه‌ی پرفیسوری، دریافت اعطای درجه‌ی شهروند افتخاری سمرقند ازبکستان و اشاره‌ای به کتابخانه‌ی نفیس شهر سمرقند با مدیریت استاد عبدالقادر و کتابخانه سالتیکوف شجدرین در سن‌پترزبورگ و موزه‌ی آرمنیاز لنینگراد از دیگر مطالب این فصل است که بهتر بود توضیحات کامل‌تری ارائه می‌شد. فصل ششم با شرح محاکمه‌ی باقراف، دیکتاتور آذربایجان، به پایان می‌رسد.

فصل هفتم کتاب با عنوان مشاهداتی از شوروی به فضای آموزشی و دگرگون‌سازی فرهنگ مناطق ۲۵ جمهوری شوروی و برخی سفرهای پروفیسور بیگدلی به مناطق مختلف در جمهوری‌های شوروی دارد.

فصل هشتم کتاب با عنوان **بازگشت به میهن**، شرحی از شیوهی بازگشت وی و خانواده‌اش پس از ۳۳ سال از شوروی با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران است.

نقد و بررسی

عنوان کتاب برگرفته از کتاب معروف از کاخ شاه زندان اوین نوشته‌ی احسان نراقی است؛ ولی نه در یادداشت ناشر و نه پیش‌گفتار اشاره‌ای به آن کتاب نشده است.

روی جلد، پس از عنوان و نام نویسنده، عبارت **مجموعه‌ی تاریخ شفاهی ایران ۳** درج شده است. ولی در صفحه فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتاب‌خانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران، فروست آن درج نشده و در یادداشت ناشر و پیش‌گفتار نیز اشاره‌ای به آن نشده است. همچنین در این فهرست‌نویسی مشخصات ظاهری ۲۴۰، ۸ ص مندرج شده که صحیح آن ۲۴۴، ۴ ص است.

در یادداشت ناشر و یا پیش‌گفتار به تعداد جلسات ضبط‌شده و تاریخ پیاده‌سازی و روش کار کتاب هیچ اشاره‌ای نشده و این امر مغایر با استانداردهای رایج است.

پیش‌گفتار کتاب مطالب بریده بریده‌ی درمورد پهلوی‌ها دارد که با ادامه همخوانی ندارد. همچنین اشاره‌ای به تألیفات پرفسور بیگدلی شده، که بهتر بود ناشر محترم فهرستی از آن را برای آگاهی مخاطبان از شخصیت علمی ایشان درج می‌نمود. در پایان از سازمان اسناد و کتاب‌خانه‌ی ملی ایران تقدیر کرده است. از آن‌جا که تاریخ این مصاحبه سال ۱۳۷۶ است و هنوز این دو سازمان ادغام نشده بودند، جالب توجه است. همچنین از اداره‌ی آرشیو تاریخ شفاهی نیز تقدیر شده است. احتمال دارد در آینده چنین اداره‌ی تشکیل شود؛ چراکه در گذشته و پیش از ادغام، اداره آرشیو شفاهی نامیده می‌شد و پس از ادغام گروه تاریخ شفاهی نام دارد.

در بند اول فصل اول از بخش یک، از مهاجرت ایل بیگدلی از مرکز آسیا به فلات ایران خبر داده، ولی ذکر از منبع این خبر به میان نمی‌آید. همچنین فلات آناطولی واقع در آسیای صغیر را به نام شبه‌جزیره آناطولی آورده است.

قریب به اتفاق مطالب فصل دوم، رضاخان و روی کار آمدن خاندان پهلوی، تحلیل‌های موجود در کتاب‌های این سه زن **مسعود بهنود**، ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، خاطرات ارتشبد حسین فردوست، بازیگران عصر پهلوی نوشته **محمودطلوعی**، رضاشاه کبیر نوشته **اسکندر دولدم** است و هیچ ارتباطی با خاطرات و زوایای دید قهرمان این کتاب ندارد و از سیزده پاورقی مندرج در این فصل حتی یک اشاره‌ی مستقیم به استفاده از این منابع نیست.

در فصل سوم، صفحات ۵۶ و ۵۷ شرح حال تیمورتاش را از قصیده‌ای به نقل از شاعر معروف، شهریار آورده اما اشاره به منبع آن در پاورقی ضروری است. صفحاتی را به تشریح احوال علی‌اکبر داور، نصرت‌الدوله فیروز، سیدحسین مدرس، سرلشکر محمدحسین خان ایرم، شیخ خزعل و شیخ مزعل، صولت‌الدوله، همسران رضاشاه اختصاص ولی هیچ خاطره‌ای از آن‌ها نقل باواسطه و یا بی‌واسطه نشده است.

بیش از سسه صفحه به نقل احوال و فساد داخلی شهدخت‌های ایران شمس و اشرف اختصاص دارد که باید در مصادیق به خاطرات ایشان لااقل اشارات کوتاهی می‌رفت. ایشان (بیگدلی) حدود چهار صفحه از کتاب را به بحثی با عنوان معتمدان رضاشاه اختصاص داده و در آن اشاره‌ای به ترور شاپور علی‌رضا در حین آموزش نظامی دارد. این خاطره‌ی بااهمیت را باید ناشر در فصل چهارم بند دوم ص ۹۵، در ارتباط قهرمان کتاب با دربار و فرزندان شاه می‌آورد. به هر حال این فصل چهل و چند صفحه‌ای، تنها کمتر از ۵ صفحه مفید دارد.

فصل چهارم، من و حزب توده، یکی از مشاهدات عینی پروفیسور بیگدلی است. در مراسم فارغ‌التحصیلی وی، رضاخان سخنرانی کرده است؛ این واقعه باید در متن می‌آمد که در پاورقی ذکر شده است. هم‌چنین بهتر بود در پاورقی‌ها، اشاره‌ای به کتاب‌های منتشرشده با موضوع سازمان افسران حزب توده و خاطرات انور خامه‌ای و وضعیت زندان جمشیدیه برای اطلاع بیشتر مخاطبان، می‌شد.

در فصل پنجم صفحه‌ی ۱۴۱ شکنجه‌ها و بازجویی‌ها به جرم جاسوسی به قطع و یقین بیش از آن‌چه که در این یکی - دو صفحه درج شده، باید باشد و بهتر بود از نوارها جهت تأیید آن استفاده می‌شد. در فصل ششم ابتدا اشاره‌ای به رأی دادگاه ترویکا و شیوه‌ی تبعید دارد. باید برای واژه‌هایی مانند ترویکا، باراک، پاکوت و... توضیحاتی ارائه می‌شد و نیز در مورد نحوه‌ی احکام نظام کمونیستی مطالب بیشتری می‌آمد.

نتیجه

این کتاب با وجود همه‌ی مواردی که در بالا گذشت، یک منبع مطالعاتی مناسب در شناخت اتحاد جماهیر شوروی، مدرسه‌ی نظام و دربار شاهنشاهی ایران است. ولی ای کاش، در حین ضبط و یا تدوین، با کمک پروفیسور بیگدلی و خانواده‌اش، جزئیات بیشتری از اوضاع دربار، رفت‌وآمدها، اخلاق شاه و شاهدگان، وضعیت ایلات در ایران، همچنین مطالب مهمی چون شیوه‌ی بازسازی شوروی جنگ‌زده پس از جنگ جهانی دوم، وضعیت مذهبی مسلمانان و دیگر ادیان در بلوک شرق ارائه می‌گردید.

اگر فعالیت‌های بعدی پروفیسور بیگدلی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به‌ویژه همراهی در ترجمه‌ی نامه‌ی معروف امام خمینی (ره) به میخائیل گورباچوف، آخرین رهبر شوروی و دیگر اقدامات وی، به پایان کتاب افزوده می‌شد، بسیار مفیدتر بود. این اثر فاقد منابع تصویری متناسب با مطالب طرح‌شده است و به همین علت در عرصه‌ی تاریخ شفاهی جایگاه مطلوبی ندارد.

پی‌نوشت

1 hoseinirza@yahoo.com

۲ - درمورد کتاب ظهور و سقوط سلطنت پهلوی، متأسفانه شاید سهل‌انگاری‌هایی موجب انتشار مکرر آن شد. برخی مجموعه‌ی خاطرات فردوست را به‌طور کامل رد کرده‌اند، ولی به هر حال تا امروز این مجموعه‌ی آشفته بیش از ۲۰ نوبت چاپ شده است.